به بهانه گفته‌های اخیر دبیر فدراسیون والیبال

باید کاری برای والیبالیست‌ها کرد

حامد مظفری

دو باخت انتهایی تیم والیبال ایران در لیگ جهانی در برابر ایتالیا و امریکا آن هم با نتیجه‌ای مشابه، سبب‌ساز آن شده است که یک سری شایعه حول بی‌انگیزگی بازیکنان ایران در این دو بازی مطرح شود و جدی‌ترین شایعه این است که والیبالیست‌های وطنی به دلیل پاداش اندکی که به واسطه صعود در جمع چهار تیم نهایی به آنها تعلق گرفته انگیزه لازم را برای دو بازی انتهایی نداشته‌اند! اینکه این شایعه درست باشد یا نادرست زیاد اهمیت ندارد اما مهمتر از آن واکنشی است که دبیر فدراسیون والیبال نسبت به این شایعه داشته؛ مدیرانی که همچنان می‌خواهند با روش ۲۰ سال پیش مدیریت کرده و سخنوری کنند. دبیر فدراسیون والیبال قبل از هر چیز این شایعه را تکذیب کرده‌اند و سپس فرموده‌اند: «ما در حد وسعمان خرج می‌کنیم و بازیکنان والیبال هیچگاه برای پول و پاداش بازی نکرده‌اند که حالا بخاطر این مسئله دلخور باشند.»

اول از همه باید به این دبیر فدراسیون گفت اگر شایعه درباره شخص شما بود یا درباره سیستم مدیریتی فدراسیون می‌توانستی آن را رد یا تأیید کنی اما وقتی شایعه به بازیکنان تیم ملی والیبال مربوط می‌شود بهتر آن است که خود این بازیکنان در این باره به رد یا تأیید شایعه بپردازند.

> **اگر بنا باشد تمامی بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌هایی که در توزیع پاداش میان تیم‌های مختلف ورزشی به وقوع می‌پیوندد را با این جملات کلیشه‌ای «وسعمان همین حد است» یا «بیشتر از وسعمان نمی‌توانیم خرج کنیم» توجیه کنیم اصلا چه نیازی داریم به شرکت در تورنمنت‌هایی که حتی پرداخت پاداش صعود به مراحل نهایی آنها در توانمان نیست**

دومین نکته‌ای که خطاب به این دبیر می‌گوییم این است که اگر بنا باشد تمامی کم‌کاری‌ها و بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌هایی که در توزیع پاداش میان تیم‌های مختلف ورزشی به وقوع می‌پیوندد را با این جملات کلیشه‌ای «وسعمان همین حد است» یا «بیشتر از وسعمان نمی‌توانیم خرج کنیم» توجیه کنیم اصلا چه نیازی داریم به شرکت در تورنمنت‌هایی که حتی پرداخت پاداش صعود به مراحل نهایی آنها در توانمان نیست. مدیر خوب آن مدیری است که با چانه‌زنی با بالادستی‌ها و البته لابی‌های مختلف بتواند برای نیروهای زیردستش امتیاز بگیرد. شما زمانی می‌توانید بگویید «در وسعمان نیست» که از جیب خودتان باشگاهی را بگردانید نه در مورد تیم ملی والیبال این مملکت که بودجه عمومی کشور شامل حالش می‌شود. حق والبیالیست‌های ماست که پاداشی مناسب کیفیت کاری که انجام داده‌اند را دریافت کنند و وظیفه مدیران این است که با رایزنی با بالادستی‌ها به موقع پاداش مناسب را در اختیار بازیکنان بگذارند.

سومین مطلب تأمل‌برانگیز گفته‌های دبیر فدراسیون دم زدن از این تئوری است که «بازیکنان والیبال هیچگاه برای پول و پاداش بازی نکرده‌اند که حالا به‌خاطر این مسئله دلخور باشند.» در اینکه هدف اصلی ورزش، ارتقای توان جسمانی و به مدد آن ارتقای روحیات است شکی وجود ندارد اما ورزش حرفه‌ای کردن نیاز دارد به هزینه کردن فراوان. این نمی‌شود که بخواهی به نیمه نهایی جام جهانی والیبال راه‌یابی اما هزینه کردت در مقیاس منطقه‌ای باشد. بازیکنان تیم ملی والیبال هم که از کره ماه نیامده‌اند؛ آنها هم آدم‌هایی هستند که در این مملکت زندگی کرده و با همان تورمی که ما با آن روبه‌روییم روبه‌رو هستند. احتمالاً آنها نیز با همان قیمتی که بقیه مردم گوشت و مرغ و برنج و روغن می‌خرند، این کالاها را تهیه می‌کنند پس نه تنها که باید به لحاظ مالی آنها را تأمین کرد بلکه باید به یاد داشته باشیم که عدم حمایت مالی درست از بازیکنان حرفه‌ای بی‌برو برگرد بر نتایج آتی تیم‌های ملی‌مان تأثیر خواهد گذاشت.

با موضوع محدودیت حجاب در غرب از رسانه ملی

پخش مستند «روسری‌های رنگی ما»

«روسری‌های رنگی ما» مستندی ۳۹ دقیقه‌ای درباره محدودیت حجاب زنان مسلمان در ترکیه و کشورهای اروپایی است که با همکاری گروهی سلما اوجی، بتول فیضا آکسوی، اسماعیل دستگرد و سجاد کریمان‌مجد، در مؤسسه روایت فتح ساخته شده است.

این مستند که سیدروح‌الله حسینی آن را نوشته و تدوین کرده، به بررسی وضعیت حجاب در ترکیه و محدودیت‌های ایجاد شده برای زنان مسلمان در این کشور می‌پردازد.

در این فیلم مروه صفا کاواکچی، نخستین نماینده محجبه زن در پارلمان ترکیه، نورای جانان، دانشجوی سابق مهندسی پزشکی دانشگاه استانبول و فاطمه‌زهرا یوجال، دانشجوی سابق دندانپزشکی به محدودیت‌ها و مشکلات حفظ حجاب در ترکیه می‌پردازند.

به گزارش مدیریت رسانه و اطلاع‌رسانی بنیاد فرهنگی روایت فتح، این فیلم با نمایش تظاهرات دانشجویان و صحنه‌هایی از درگیری پلیس ضد شورش با دانشجویان محجبه آغاز می‌شود و در ادامه به طور موازی، مشکلات این سه زن را از زبان خودشان و تصاویر خبری و مستند، بازگو می‌کند.

همچنین شخصیت مروه صفا کاواکچی در این مستند به واگویه محرومیتش از تحصیل به واسطه محجبه بودنش، مهاجرتش به امریکا برای ادامه تحصیل و بازگشتش به ترکیه می‌گوید. در ادامه نورای جانان از اعطای امتیازات شغلی و آموزشی به دانشجویان برای تشویق آنها به کنار گذاشتن حجاب و ممانعت دانشگاه از ورود دانشجویان محجبه به جلسات امتحان می‌گوید؛ وی به ماجرای ورود پلیس ضد شورش به کلاس درس برای اخراج وی از جلسه امتحان، محکومیتش در دادگاه و اخراجش از دانشگاه اشاره می‌کند.

البته مشکلات نورای به همین جا ختم نمی‌شود، او در دوران بارداری به صورت اتفاقی در جریان یک تظاهرات بازداشت می‌شود و پلیس ترکیه هیچ توجهی به شرایط خاص او نمی‌کند و نورای، فرزند به دنیا نیامده خود را از دست می‌دهد. سومین شخصیت این مستند فاطمه‌زهرا یوجال دانشجوی دندانپزشکی است که در آخرین سال تحصیل خود، به دلیل محجبه بودن از دانشگاه اخراج می‌شود. وی از کشور خود مهاجرت می‌کند و در ایران ادامه تحصیل می‌دهد؛ اما همچنان به دلیل محجبه بودن از شرکت در آزمون تأیید صلاحیت علمی جهت کار در کشور ترکیه محروم است و در نتیجه، به‌رغم میلش امکان بازگشت به سرزمین مادری خویش را ندارد.

گفتنی است استفاده از یک سیاستمدار و دو دانشجوی اخراجی که تصاویر خبری و مستند زیادی از آنها در دسترس است، این امکان را برای گروه کارگردانی فراهم کرده تا همزمان با روایت ماجرا از زبان شخصیت‌ها، لحظه لحظه این روایت را با همراهی فیلم‌های خبری و مستندهای واقعی، در برابر دیدگان مخاطبان زنده سازد و به مباحث مطرح شده از سوی شخصیت‌ها سندیت ببخشد.

روحانی مشبک‌کار در گفت‌وگو با «جوان»:

فعالیت‌های هنری روحانیون در تبلیغ دین مؤثر است

معصومه طاهری

حجت‌الاسلام روح‌الله افشار، از دفتر حوزه علمیه قم است که در کنار فعالیت حوزوی و دینی، در عرصه هنر صنایع دستی هم دستی دارد و آثار متعددی در رشته مشبک قرآنی خلق کرده است اما پرداختن به هنر مشبک‌کاری و خوشنویسی، او را از دروس حوزه بازنگذاشته؛ چنانچه درحال حاضر کارشناسی ارشد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن را دارد و به علوم قرآنی فوق‌العاده مسلط است. حجت‌الاسلام افشار تاکنون در نمایشگاه‌های متعدد داخلی و خارجی حضوری فعال داشته است.

از چه زمانی وارد این کار هنری شدید؟

تقریباً دو، سه سالی است که توفیق داشته‌ام در رشته هنری مشبک‌کاری به‌صورت حرفه‌ای فعالیت داشته باشم.

محور آثاری که در زمینه مشبک قرآنی دارید چیست؟

با توجه به این که من خودم حوزوی هستم و آشنا به علوم قرآنی، دوست دارم با هنر مشبک‌کاری قرآنی آیات قرآنی را ترویج کنم برای همین عمده کارهای ما آیات قرآن است و سوره‌های کوچک یا شاخص قرآن را مشبک‌کاری می‌کنیم به‌خصوص آیه‌الکرسی. با چوب‌های رنگی قهوه‌ای تیره یا روشن سعی می‌کنیم متناسب با خود آیه، سفارشات را قبول می‌کنیم یا برای سازمان‌ها، ارگان‌ها یا مدارس آماده می‌کنیم.

شما حوزوی هستید و مجبورید بیشتر وقت خود را صرف مطالعه و تحقیق کنید. آیا روی آوردن به کار هنری وقت‌گیر نیست و مانع تحصیل نمی‌شود؟

حقیقت امر را بخواهید من قبل از این که وارد حوزه علمیه و تحصیلات مربوط به آن شوم، مشبک‌کاری می‌کردم. در دوران دبیرستان با دوستانم به صورت ابتدایی این کار را شروع کردیم. وقتی وارد حوزه شدم دیگر اصلاً وقت و فرصتی نبود تا بخواهم کار مشبک را دنبال کنم تا سال‌های چهارم و پنجم حوزه که رسیدم می‌دیدم دوستان روحانی باتجربه در فعالیت تبلیغی که دارند از هر هنری که از قبل یاد گرفته بودند استفاده می‌کنند. برای مثال کسی که سابقه فعالیت در گروه‌های سرود و جمع‌خوانی را داشت حالا در تبلیغ سرودخوانی کار می‌کرد یا کسی که صدای خوشی در تلاوت قرآن داشت، برنامه تلاوت قرآن می‌گذاشت و داستان‌گویی یا صنایع دستی و... هر چه بلد بودند را ماهرانه به‌عنوان مکمل اثرگذار در کار تبلیغی استفاده می‌کردند؛ برهمین اساس این ایده به ذهنم رسید که بتوانم من هم از هنری که بلد هستم استفاده کنم و کارگاه‌هایی را در همان شهرها و روستاهایی که می‌روم چه محروم و چه غیرمحروم تأسیس کرده و سعی کنم افراد را با این هنر آشنا کنم. در واقع توانایی که دارم را به دیگران انتقال بدهم. بعد از چند نوبت تبلیغ که به نوعی آشنایی دوباره خودم به معرق بود وقتی به قم برگشتم تصمیم گرفتم تا محور کارهای تبلیغی‌ام را روی کارهای مشبک قرار بدهم. الحمدلله امروز بعد از چند سال استقبال مخاطبان از این کار خوب بوده است.

فکر می‌کنید علت این استقبال بالا به چه دلیل است؟

خب کار هنر صنایع دستی برای مردم جذابیت دارد و هنرمندان مشبک‌کار حرفه‌ای زیادی هم هستند که کارهایشان با استقبال بالای مردم مواجه است ولی به دلیل این که من در کسوت روحانی هستم و مشغول کار هنری مشبک قرآنم برایشان جالب‌تر است زیرا می‌بینند که در کنار درس و منبر و تبلیغ دین به صنایع دستی هم روی آوردم و البته کاری که انجام می‌دهم هم مربوط به دروس حوزوی است یعنی آیات قرآن و اسامی ائمه معصومین. برای همین استقبال خوبی از کارها شده است.

پرداختن به مشبک‌کاری مانع تحصیلات شما نبوده است؟

نه اصلاً. طلبه‌ها هم مانند سایر محصلان، در زمان تعطیلی حوزه‌ها اوقات بیکاری دارند که یا صرف مطالعه می‌کنند یا این که به بقیه کارهایی که می‌خواهند می‌پردازند، من هم روزهای تعطیلی پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها را به این کار اختصاص داده‌ام. در ماه دو سه روزی را حتماً به مشبک‌کاری مشغول هستم. شما اگر به هر رشته جنبی بروید مطمئناً از درس مجبورید کم کنید ولی باید ببینید که این مسئله ارزش دنیا و آخرتی دارد یا نه. من وقتی می‌خواستم این کار را کنار تحصیلم به کار ببرم با استادان مشورت کردم همین را به من گفتند. خدا را شکر از لحاظ معنوی و مادی برایم خوب بوده است و ارزش داشته تا به این هنر مشغول شوم.

به نظر شما راز ماندگاری یک اثر هنری در چیست؟

کارهای قرآن در هر حوزه‌ای باید یک سری ساعاتی باشد که ساعات آرامی باشد مثلاً نیمه شب یا اوایل صبح که یک آرامش نسبی وجود دارد و از همه مهمتر کار اگر با حضور قلب و یاد خدا باشد، ماندگار می‌ماند. من زیباترین کارهایم هرچند ساده و کم‌هزینه است اما به دلیل این که با وضو کار کردم هم برای خودم اثرگذار بوده و هم احساس کردم مخاطبانم بیشتر آن آثار را دوست داشتند و کارهایی از این دست ماندگار شده است. در همه رشته‌های هنری همین شرایط است زیرا هنر روح را جلا می‌دهد و اگر اخلاص باشد و زمان خوبی انجام بشود مطمئناً اثر ماندگاری زیادی دارد. وقتی جنبه مادی آن را نگاه نکند و کار با حوصله و آرامش باشد.

عکس‌العمل استادان حوزه نسبت به کار مشبک‌کاری شما چگونه بوده است؟

سال‌های اولی که در نمایشگاه‌های قرآن یا نمایشگاه‌های دیگر من را با کسوت روحانیت می‌دیدند که مشغول مشبک‌کاری هستم به دلیل این که هنوز فرهنگسازی نشده بود مقداری کدورت و ناراحتی بود که مناسب یک طلبه نیست با لباس روحانیت بیاید و مشغول کار جانبی ازاین دست بشود. بعد وقتی به آنها هدیه‌ای از کارهای مشبک قرآنی می‌دادم راغب می‌شدند و در نمایشگاه‌های بعدی که من را می‌دیدند خودشان از من هدیه‌ای می‌خواستند و دوست داشتند تا اثری داشته باشند حتی اگر چند روزی نبودم سراغم را می‌گرفتند و جویای حال بودند. این فرهنگسازی کم کم صورت گرفته است که فعالیت هنری طلاب هیچ مانعی بر کار تبلیغ دینی آنها نیست و حتی می‌تواند در راستای پیشبرد آن هم مؤثر باشد.

حالا بستر کار مساعد است؟

شکر خدا به نسبت قبل خیلی بهتر شده است ولی هنوز به طور کامل فضاسازی فرهنگی در این رابطه صورت نگرفته و امیدواریم شناخت بیشتر بشود.

چه تابلوهایی به استادان حوزه هدیه داده‌اید؟

به شخصیت‌های مختلف حوزوی در حد توانم هدایایی دادم مانند رئیس حوزه علمیه قم که از خبرگان رهبری هستند، سعی کردم در زمان ماه مبارک رمضان تابلوی مشبک را کامل کنم و بدهم یا به نماینده ولایت فقیه تابلوی سوره انالنزلنا هدیه دادم. به وزیری سوره حمد را هدیه کردم.

برخورد جوانان نسبت به کار شما چگونه بوده است؟

برخورد اقشار مختلف متفاوت بوده است در سنین بالا خیلی جالب‌تر است زیرا در قدیم و حتی دوره کنونی روحانی که مشغول به کار صنایع دستی باشد را ندیده‌اند ولی نوجوانان و جوانان به کار کنجکاو و علاقه‌مند هستند وقتی می‌بینند با یک‌سری ابزار ساده می‌شود آیات قرآن را مشبک‌کاری کرد دوست دارند و سؤال می‌کنند که کار چگونه است آیا ما هم می‌توانیم این کار را انجام بدهیم و به بچه‌ها هم وقتی جایزه می‌دهیم خیلی دوست دارند.

حرف پایانی؟

این باور غلط را که روحانی قشری جدا از جامعه است که قادر به کاری نیست باید با همکاری رسانه‌ها از بین برود و فرهنگسازی کرد. زیرا هنر مکمل تبلیغ دین است و یک روحانی هم می‌تواند به هنرهای مختلف اشراف داشته باشد نیاز به حمایت و تشویق داریم. طلاب در رشته‌های هنری عقب نیستند بلکه حتی در برخی هنرها پیشتاز هم هستند بدون این که خللی در تحصیل و تبلیغ علوم دینی و حوزوی داشته باشند. از همین جا به‌خاطر وقتی که گذاشتید تا در این رابطه اطلاع‌رسانی کنید از شما و روزنامه جوان سپاسگزارم. ان‌شاالله خدا به شما توفیق بدهد.

گفت‌وگوی «جوان» با امام جماعت مسجد ائمه بقیع ستارخان

مدیریت متمرکز مسجد، ضامن جذب جوانان است

سپیده آماده

حجت‌الاسلام بهاءالدین قهرمانی‌نژاد علاوه بر اینکه استاد دانشگاه تهران و حوزه علمیه است، امامت مسجد ائمه بقیع ستارخان را نیز برعهده دارد، پای صحبت‌های این امام جماعت نشسته‌ایم تا از تأثیرات فرهنگی مساجد بر جوانان روش‌های جذب حداکثری نسل جوان به سمت مساجد بپرسیم.

آقای قهرمانی‌نژاد! در ابتدا از فعالیت‌های فرهنگی مسجد ائمه بقیع بگویید.

حدود ۲۵ سال است که مسجد ائمه بقیع به همت واقفین و اهالی محل در ستارخان، خیابان حبیب‌الهی تأسیس شده و به فعالیت‌های فرهنگی و ارائه خدمات دینی مشغول است. از مراسم‌های مهم مسجد، مراسم اعتکاف است که با حضور چشمگیر جوانان برگزار می‌شود. یکی دیگر از برنامه‌های مسجد راه‌اندازی دفتر امور خیریه کریم اهل بیت، امام‌مجتبی(ع) بوده است که ۴۵ خانوار را تحت پوشش دارد و در زمینه مسائل مربوط به قرآن هم دارالقران امام زین‌العابدین(ع) به تازگی در مسجد افتتاح شده است. از طرف دیگر برگزاری مراسم و برنامه‌های مختلف مذهبی در این مسجد هم همواره با استقبال اهالی محل مواجه می‌شود.

حضور جوانان در مسجد به چه صورت است و با توجه به گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی، چگونه می‌توان جوانان را به سمت مساجد سوق داد؟

در این رابطه با جوانگرایی و ایجاد جاذبه برای نوجوانان و جوانان، تشکیل حلقه‌های معرفت و آموزش متناسب با روحیات جوانان و اجرای برنامه‌های جذاب و اردوهای زیارتی- سیاحتی می‌توان این نسل را به سمت مساجد سوق داد.

برنامه‌های مسجد ائمه بقیع برای تابستان امسال چیست؟

برگزاری کلاس قرآن برای نونهالان ۸ تا ۱۵ سال و علاوه بر آن در صدد هستیم که در رابطه با حلقه‌های معرفت و آموزش تک درس علوم اسلامی، تمهیدات لازم را در آینده نزدیک بیندیشیم.

ممکن است کمی در خصوص حلقه‌های معرفت توضیح دهید؟

به نظر من دور هم نشستن جوانان و صحبت کردنشان با هم از آموزش‌های رایج که صرفاً یک نفر متکلم وحده

می‌شود، تأثیرگذارتر است.

آقای قهرمانی‌نژاد! متأسفانه برخی از نوجوانان و جوانان رفت و آمد زیادی به مساجد ندارند و شاید مسجد رفتنشان تنها به شب‌های محرم محدود شود، به نظر شما چطور می‌توان این نوجوانان و جوانان را جلب مساجد کرد؟

مسئولان مسجد با برگزار کردن برنامه‌های سیاحتی و اردوهای تفریحی و ارائه مسئولیت‌های مختلف به افراد نوجوان و جوان و تشویق جوانان محل که در زمینه‌های ورزشی و درسی موفق ظاهر شده‌اند می‌توانند این نسل را به مسجد جلب کنند البته باید در نظر داشته باشند که برخوردهای نابخردانه و نسنجیده، هر لحظه ممکن است جوانان و نوجوانان را از مساجد دور کند. سومین نکته این است که محور هر مسجد امام جماعت است و اگر مدیریت متمرکز نباشد و چند رأیی به وجود بیاید، یک سری جوان هم که جذب شده‌اند از مسجد گریزان می‌شوند.

پیوند مدارس و مساجد تا چه اندازه می‌تواند در جذب جوانان به مساجد مؤثر باشد؟

حداقل کاری که در این خصوص می‌توان انجام داد این است که با مدیر مدارس حومه هر مسجد تعاملاتی صورت بگیرد تا در مناسبت‌های خاص، امام جماعت به عنوان سخنران در مدرسه حضور پیدا کند یا برای نونهالان و کودکان مهدهای قرآن تأسیس شود که ما در این خصوص اقداماتی داشتیم که متأسفانه به نتیجه‌ای نرسیدیم.

به نظر شما ادبیات امام جماعت تا چه اندازه می‌تواند در جذب نوجوانان و جوانان به مساجد مؤثر باشد؟

به باور من این مسئله در جذب جوانان بسیار مهم است، به عنوان مثال من همان روشی که در دانشگاه در برابر جوانان دانشجو به کار می‌گیرم در مسجد هم تکرار می‌کنم و به باور من مدارا با مردم و تحمل شدائد و سختی‌ها باید از مؤلفه‌های رفتاری امام جماعت باشد.

یکی برای روزه‌داری کتک می‌خورد یکی راحت روزه می‌خورد

اسماء معتمدی

قدیما هر که روزه نبود می‌گفتند باید برود و یک گوشه‌ای چیزی بخورد تا بقیه او را نبینند اما گویا الان هر کس روزه‌دار است باید برود گوشه‌ای تا مزاحم غذا خوردن بقیه نشود! دوستی می‌گفت در شرکت ما یازده نفر کار می‌کنند که تنها دو نفر روزه می‌گیریم. ظهر و وقت ناهار هم که می‌رسد بدون توجه به ماه رمضان غذاهای خود را گرم می‌کنند و با آرامش خاطر سفره‌ای پهن کرده و مشغول خوردن می‌شوند.

خودم هم چند روز پیش برای کاری به تهران آمدم با این که برای مسافر روزه واجب نیست و به دلیل سفر طولانی خیلی تشنه بودم اما راستش از ماه رمضان خجالت می‌کشیدم تا چیزی بنوشم تا این که درب حسینیه‌ای را زدم که به دور از دیگران، بتوانم گلویی تر کنم. آن روز در خیابان ناصرخسرو با کمال تعجب تعداد زیادی، بی‌محابا از ماه رمضان دور آبخوری جمع شده بودند و با حرص و ولع آب خنک می‌خوردند. به یکی از آنها گفتم مگر ماه رمضان نیست؟! گفت هوا گرمه، تحمل روزه ندارم. گفتم حداقل می‌شود به دور از نگاه روزه‌داران آب نوشید! یا خانمی را در خیابان ولی‌عصر دیدم با پوشش هنجارشکنانه‌ای که داشت به‌راحتی بدون نگاه روزه‌داران، بطری آب‌میوه‌اش را در خیابان سر می‌کشید. با دیدن این صحنه، ناخودآگاه یاد کارگر جوانی که وسط روز و در گرما بالای داربست ساختمان چند طبقه‌ای در محله‌مان کار می‌کرد افتادم، درحالی که تشنه و خسته شده بود بالب‌های خشک مدام ذکر یاحسین یا عباس می‌گفت تا عطشش را فراموش کند. چند وقت پیش با ربیعه (آلیس رافائل) زن مسلمانی از تانزانیا مصاحبه‌ای داشتم. خاطره‌ای برایم تعریف کرد که هرچند تلخ اما شیرین بود. او می‌گفت: وقتی مسلمان و شیعه شدم ۱۷ سال بیشتر نداشتم. آن سال ماه رمضان وسط تابستان افتاده بود. شما در ایران فکرش را هم نمی‌توانید بکنید گرمای تابستان تانزانیا چقدر داغ و سوزان است آن هم برای نوجوانی که باید روزه هم بگیرد، تازه مجبور بودم مسلمانی و روزه‌داری‌ام را از دیگران به‌خصوص مادرم پنهان کنم زیرا مادر به شدت از مسلمان شدنم می‌ترسید. غروب وقتی با حال نزار از مدرسه آمدم مادرم متوجه شد که من غذا نخورده‌ام و چیزی هم با خودم به مدرسه نبرده‌ام. شک کرد که من مسلمان شده‌ام. یکی دوساعت به افطار مانده بود نوشیدنی خنک و غذای خوشمزه‌ای برایم آورد و گفت بخور. امتناع کردم. گفتم میل ندارم. آن وقت بود که با کمربند برادرم به جانم افتاد و من را خیلی کتک زد. از یک طرف تشنگی و گرسنگی توانم را بریده بود و از سوی دیگر ضربه‌های محکم کمربند، مادرم می‌گفت باید چیزی بخوری اما حاضر نبودم شیرینی اولین سال روزه داری‌ام را از دست بدهم. مادرم به‌قدری من را با کمربند زد که خودش خسته شد و تازه بعد از آن با عصای گوشه اتاق به جانم افتاد. با این که تمام بدنم خیلی کبود و متورم شده بود و درد می‌کرد اما از این که روزه‌ام را نشکسته بودم خوشحال بودم.

با این خاطره او منقلب شدم و به یاد سخن معروف شهید بهشتی افتادم که می‌گفت: «بهشت را به بها دهند نه به بهانه» چه زیبا دختر نوجوانی در آفریقا نمی‌گذارد حکم و فریضه‌ای که به عهده گرفته است ضایع شود و به قیمت کتک خوردن دم افطار آن را حفظ می‌کند، آن وقت اینجا عده‌ای از سر جهالت عمداً یا سهواً حکم خدا را زیر پا می‌گذارند و آن را به شوخی می‌گیرند. درست است در روزهای بلند و گرم تابستان، روزه گرفتن امتحانی سخت است به‌خصوص این که مجبور به کار در گرما هم باشیم اما مسلماً این بهانه‌ای نمی‌شود تا حکم خدا را زیر پا بگذاریم و سرکشی علنی کنیم. رسول خدا(ص) روزه در گرما را جهاد می‌داند و برای مؤمنان چه حلاوتی بالاتر از این است که علاوه بر تمام ثمرات نیکویی که در ماه رمضان نصیبشان می‌گردد، اجر جهاد هم به پای آنان نوشته شود.

ای کاش کمی بیشتر حرمت ماه رمضان را حفظ کنیم و اگر نمی‌توانیم یا نمی‌خواهیم روزه بگیریم حداقل آشکارا و جلوی دیگران چیزی نخوریم یا ننوشیم. قدر مسلم آنچه از روزه‌خواری در جامعه شاهدیم تا حدود زیادی به ضعف دستگاه‌های فرهنگی و فرهنگساز مربوط است که نتوانسته‌اند عشق به اسلام و خدا را آن گونه که باید در میان جان و روح این جماعت نهادینه کنند چه آن که اگر این امر نهادینه گردد دیگر پلیس درونی خود افراد فعال می‌شود و نیاز به پلیس و جبر بیرونی نیست. آن وقت است که افراد از روزه‌خواری دیگران نه به‌خاطر به هوس افتادن خود بلکه به خاطر نافرمانیشان از خدا ناراحت می‌شوند. متأسفیم که بگوییم در امر فرهنگسازی ضعیف بوده‌ایم. تازه مسلمانان همیشه مصادیق خوبی هستند از افرادی که خود به حقیقت اسلام دست یافتند و با وجود همه مشکلات برای عمل کردن به فرمان خدا قدم پیش می‌گذارند.